



• (سوم) آیه شریفه «والرجز فاهجر»^۱

استدلال به این آیه مبتنی است بر اینکه رجز به معنای نجاست فقهی باشد و امر به هجر هم امر به اجتناب از مطلق تصرفات باشد.

مرحوم شیخ انصاری اشاره به این مطلب کرده و می نویسد:

«و من بعض ما ذكرنا يظهر ضعف الاستدلال على ذلك بقوله تعالى وَ الرَّجْزُ فَاهْجُرْ؛ بناءً على أَنَّ «الرجز» هو الرجز.»^۲

بر این استدلال اشکال شده است که:

«و فيه: أَنَّ كون الرجز بمعنى النجس المصطلح عليه غير واضح و لم يفسروه بذلك. و لو سلم فلعلّ المراد بهجرة هجره في

الصلاة أو في الأكل و الشرب و نحوهما، كما هو المحتمل أيضا في قوله: وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ. فيكون من قبيل ذكر العام بعد

الخاص، فلا دلالة له على منع المعاملة عليه. و يحتمل اختصاص الحكم بالنبي «ص» بقرينة السياق، فتأمل.»^۳

توضیح:

۱. رجز به معنای نجاست فقهی نیست.

۲. هجر هم مطلق نیست بلکه مراد هجر از رجز در نماز و در اكل و شرب است.

۳. این مطلب از آیه قبل «و ثيابك فطهر» هم قابل استفاده است که آیه می گوید در نماز باید لباس را شست

و بعد حکم عام را بیان می کند که در نماز باید از رجز دوری جست.

۴. احتمال هم دارد که آیه از اختصاصات نبی باشد.

ما می گوئیم:

۱) مرحوم شیخ طوسی در تبیان در تشریح معنای رجز می نویسد:

«قال الحسن: كل معصية رجز. و قال ابن عباس و مجاهد و قتادة و الزهري: معناه فاهجر الأصنام. و قال إبراهيم و

الضحاک: الرجز: الإثم. و قال الكسائي: الرجز بكسر الراء: العذاب، و بفتحها: الصنم و الوثن. و قالوا: المعنى اهجر

ما يؤدى إلى العذاب. و لم يفرّق أحد بينهما.»^۴

۱. مدثر، آیه ۵

۲. کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحديثة)؛ ج ۱، ص: ۸۴ / و ایضاً در ص ۹۳ و ۹۸ و ۱۰۵

۳. دراسات فی المکاسب المحرمة؛ ج ۱، ص: ۱۸۸

۴. التبیان، ج ۲ ص ۷۲۴

مشابه همین معنا در مجمع البیان^۱ هم آمده است.

۲) حضرت امام درباره این آیه می نویسند:

«و منه: قوله تعالى وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ، بنحو ما تقدّم من التقريب. وفيه: أنّه لم يتّضح أنّ المراد بالرجز الرّجس، فإنّه بمعان، منها: عبادة الأوثان، و في المجمع: «أنّه بالضم اسم صنم فيما زعموا. و قال قتادة: هما صنمان: إساف و تائلة». انتهى. و لعلّ الأقرب أن يكون الأمر، بهجر الأوثان أو عبادتها، و أمّا النّجس المعهود، فمن البعيد إرادته في أول سورة نزلت عليه صلّى الله عليه و آله و سلّم - على ما قيل - أو بعد إقرأ، قبل تأسيس الشريعة، أصولاً و فروعاً، على ما يشهد به الذوق السليم. و لهذا لا يبعد أن يكون المراد بقوله وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ، غير تطهير اللباس، بل تنزيه نسائه، أو أقربائه عن دنس الشرك - على ما قيل - أو غير ذلك ممّا فسّر.»^۲

• چهارم) آیه شریفه «و يحرم عليهم الخبائث»^۳

حضرت امام به این آیه اشاره کرده و از آن جواب داده اند:

«و منه: آية تحريم الخبائث، بتقريب أنّ النجاسات و المتنجّسات من الخبيثات و أنّ الحرمة إذا تعلّقت بذات الشيء، تفيد حرمة مطلق الانتفاعات، لأنّ التعلّق بها مبنیّ على الدّعوى، و هي أنسب لها.»^۴

توضیح:

۱. نجس و متنجس از خبائث هستند.
۲. حرمت اگر به ذات یک شیء تعلق گرفت، به معنای حرمت جميع منافع است چراکه در این صورت نسبت حرمت به ذات شیء، مجاز است و علاقه مجازیه در صورتی که مراد همه منافع باشد، مناسب تر است.

حضرت امام سپس پاسخ می دهند:

«و يظهر النظر فيه بعد ذكر الآية الكريمة، قال تعالى فَسَأْكُتُبُهَا - أي الرحمة - لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحْرِمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ.

فإنّ مبنی الاستدلال، على دعوى تعلّق الحرمة على عنوان الخبيثات. و أنت خبير بأنّ الآية ليست بصدد بيان تحريم الخبائث، بل بصدد الإخبار عن أوصاف النّبي صلّى الله عليه و آله و سلّم بأنّه يأمرهم بالمعروف. و ليس المراد أنّ

۱. مجمع البیان، ج ۵ ص ۳۸۵

۲. المكاسب المحرمة (للإمام الخمينی)؛ ج ۱، ص: ۵۲

۳. اعراف، آیه ۱۵۷

۴. المكاسب المحرمة (للإمام الخمينی)؛ ج ۱، ص: ۵۱



النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَحْرَمُ عَنْوَانَ الْخَبَائِثِ أَوْ ذَاتَهَا، وَ يَحِلُّ عَنْوَانَ الطَّيِّبَاتِ أَوْ ذَاتَهَا، بَلْ يَصَدِّدُ بَيَانَ أَنَّهُ يَحِلُّ كُلُّ مَا كَانَ طَيِّبًا، وَ يَحْرَمُ كُلُّ مَا كَانَ خَبِيثًا، بِالْحَمْلِ الشَّائِعِ، وَ لَوْ بِالنَّهْيِ عَنْ أَكْلِهِ وَ شَرْبِهِ، فَإِذَا نَهَى عَنْ شَرْبِ الْخَمْرِ، وَ أَكْلِ الْمَيْتَةِ، وَ لَحْمِ الْخَنزِيرِ، وَ هَكَذَا، يَصَدَّقُ أَنَّهُ حَرَّمَ الْخَبَائِثَ. فَلَا دَلَالَةَ لِلآيَةِ عَلَى تَحْرِيمِ عَنْوَانَ الْخَبَائِثِ، وَ هُوَ ظَاهِرٌ.^۱

توضیح:

۱. آیه شریفه سوره اعراف آن است که:

«وَ اكْتُبْ لَنَا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُّنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (۱۵۶)»

[برای ما در دنیا و آخرت نیکی بنویس. ما به سوی تو بازگشته ایم گفت: عذاب خود را به هر کس که بخواهم می رسانم و رحمت من همه چیز را دربرمی گیرد. آن را برای کسانی که پرهیزگاری می کنند و زکات می دهند و به آیات ما ایمان می آورند مقرر خواهم داشت.]

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْأَنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحْرُمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَ عَزَّوْهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۵۷)

[آنان که از این رسول، این پیامبر امی که نامش را در تورات و انجیل خود نوشته می یابند، پیروی می کنند- آن که به نیکی فرمانشان می دهد و از ناشایست بازشان می دارد و چیزهای پاکیزه را بر آنها حلال می کند و چیزهای ناپاک را حرام و بار گرانشان را از دوششان برمی گرداند دارد و بند و زنجیرشان را می گشاید. پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند و یاریش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده ایم پیروی کردند، رستگاراند.]

۲. استدلال به آیه مبتنی است بر اینکه آیه در صدد بیان تحریم خبائث باشد، در حالیکه آیه در صدد توضیح رفتار پیامبر است.

۳. و مراد آن نیست که پیامبر عنوان خبائث را محکوم به حرمت کرده است بلکه آیه در صدد آن است که بگوید هر چه به حمل شایع از خبائث است، توسط پیامبر تحریم شده است.

۴. پس اگر پیامبر در حقیقت فرموده بود: اکل میت و شرب خمر و ... حرام است می شد درباره رفتار پیامبر چنین گزارش داد که «او خبائث را تحریم کرده است».



۵. [به عبارت دیگر: اگر قرآن یا رسول الله در مقام حکم کردن می فرمودند «خبائث حرام است»، چون ذات (خبیث) محکوم به حرمت می شد، لاجرم می گفتیم - به خاطر تصحیح مجاز - مراد حرمت همه تصرفات در ذات است.

ولی اگر حکایت از فعل رسول الله شده باشد: دیگر مشکل تصحیح مجاز پیش نمی آید - تا بگوییم مراد همه تصرفات است - چراکه ذات خبیث مورد حرمت واقع نشده است بلکه مصداق (بالحمل الشایع) مورد حرمت واقع شده است.

پس اگر شارع از شرب خمر و اکل میته نهی کرد و بعد حکایت کرد که ما خبائث را تحریم کرده ایم، این عبارت غلط و یا مستهجن نمی باشد]

۶. [ممکن است مراد امام از کل ما کان خبیثاً بالحمل الشایع، شرب خمر باشد یعنی شرب خمر مصداق خبیث است - هر چند این خلاف ظاهر عبارت است - و ممکن است مراد نفس خمر باشد ولی به صرف تحریم شرب خمر می توان گفت که خبیث تحریم شد.]

۷. [پس: اگر تحریم فی الواقع به شرب خمر خورده باشد و در مقام حکایت از آن بگوییم خبیث تحریم شد، عبارت صحیح است. ولی اگر تحریم فی الواقع به ذات خبیث خورده باشد، وقتی عبارت «خبیث تحریم شد» صحیح است که همه تصرفات حرام باشد.]

بر امام اشکال شده است:

«یمكن أن يناقش عليه بأنّ الخبائث جمع محلّی باللام، و مفاده العموم. فالجملة و إن لم يكن في مقام إنشاء الحرمة و لم تشرّع الحرمة قطّ على هذا العنوان العام بجعل واحد، لكنها بعمومها تحكى عن تشريع الحرمة على كلّ ما هو من مصاديق الخبيث عرفاً أو شرعاً. فإذا ثبت خبائثة شيء أو فعل بحكم العرف فلا محالة تدلّ الآية على تشريع الحرمة عليه في ظرفه، فتدبر.»^۱

توضیح:

۱. حتی اگر در مقام خبر و حکایت باشیم، چون الخبائث جمع محلّی به لام است، جمله حکایت می کند از

تحریم همه خبائث.

۲. پس هرچه خبیث است، حرام است.



ما می‌گوییم:

۱) اشکال بر امام وارد نیست چراکه بحث در عمومیت الخبائث نیست بلکه بحث در این است که آیا جمله «تحریم خبائث»، دلالت بر حرمت جمیع تصرفات می‌کند - به خاطر تصحیح مجاز - یا دلالت نمی‌کند. و در حقیقت امام، حکایت‌گری را مانع از لزوم استفاده مطلق تصرفات می‌دانستند. به عبارت دیگر:

فرمایش امام آن است که در انشاء اگر ذات خبیث متعلق حکم شد، لاجرم باید بگویند «همه تصرفات در ذات خبیث» مدّ نظر است. چراکه اگر مراد همه تصرفات نباشد می‌توانیم سوال کنیم که کدام مرتبه از مراتب مجاز (همه تصرفات یا بعض آنها) مدّ نظر است. و لذا چون قرینه نداریم، اقرب المجازات یعنی مطلق تصرفات را اخذ می‌کنیم.

ولی اگر در اخبار، ذات خبیث متعلق حکم شد، قرینه‌ای داریم که مرتبه معینی از مجاز را معلوم می‌کند. و آن قرینه، حرمت خارجی شرب خمر است که سابقاً در جای خود انشاء شده است. و لذا لازم نیست بگوییم «مراد حرمت همه تصرفات است تصحیحاً للمجاز» چراکه مرتبه معینی از مجاز دارای قرینه خارجی است.

پس اصلاً سخن در عمومیت الخبائث نیست؛ بلکه امام هم قبول دارند که همه خبائث حرام هستند ولی سؤال اینجاست که کدام دسته از تصرفات خبیث حرام شده است.